

در بازشناسی «بهائیان نظامی در حکومت پهلوی دوم»

کثرت سبب‌دهای بهایی

در فرقه‌ای که جنگ حرام است!

■ **محمد رضا کائینی**



اثری که هم‌اینگ در معرفی آن سخن می‌رود، بازشناسی عده و غده فرقه بهائیت در ارتش شاهنشاهی را مورد بررسی قرار داده است. از نکات جالب توجه در این‌باره آن بود که زعمای بهائیت اسلحه‌برداری و جنگ را حرام اعلام کرده بودند! این پژوهش از سوی شاداب عسکری انجام شده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی آن را روانه بازار نشر ساخته است. تارنمای ناشر در اشارتی کوتاه، در باب این کتاب آورده است:
«بهائیان در کسوت نظامی برای قبضه کردن مشاغل حساس می‌کوشیدند تا در پوشش حمایت و صیانت از حکومت پهلوی، در مصدر امور قرار گیرند. حکومت پهلوی نیز که با سرکوب قیام ۱۵ خرداد و تصویب کابینولاسیون و تبعید امام خمینی (ره) کاملاً با بدنه جامعه فاصله گرفته، کوشید تا پیروان فرقه را در ساختار سیاسی کشور تقویت کند. از آنجا که ارتش یکی از ارکان مهم حکومت پهلوی بود، بهائیان کوشیدند تا با نفوذ در آن موقعیت خود را تحکیم بخشند. یکی از این موضوعات بسیار مهم، ذکر این مطلب از سوی تعدادی از سربازان بهایی بود که عنوان می‌داشتند: اسلحه دست‌گرفتن و جنگیدن در بهائیت حرام است! با عنایت به اینکه در حکومت پهلوی، مرکزیت بهائیت هیچ‌مانی برای حضور بهائیان در ارتش ایجادنکرده بودند و بهائیان متعددی همچون سپهد ایادی، سپهد خسروانی، سرلشکر شمانی و اقوامش که همگی تیمساران دربار شاهنشاهی بودند، در ارتش اشتغال داشتند تحت این شرایط، این رفتار و گفتار سربازان بهایی در طول جنگ تحمیلی، بسیار



✦ تیمسار عبدالکریم ایادی

عجیب بود و جای تعمق داشت…»

همان‌سایت در یاداشتی، مفاد «بهائیان نظامی در حکومت پهلوی دوم» را به ترتیب بی‌آمده معرفی کرده است: «در اولین فصل کتاب با عنوان پیدایش و تکوین بهائیت، مباحثی همچون: شکل‌گیری بهائیت، ساختار درونی بهائیت، بیت‌المقدس، ممنوعیت بهائیان برای ورود به حوزه سیاست، اشتغال بهائیان در حکومت پهلوی دوم، آموزه‌های بهائیت در خصوص وطن، ارتباط بهائیت با صهیونیسم و رابطه بهائیان با مقامات امریکایی در ایران مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. فصل دوم کتاب به جایگاه ارتش در رژیم پهلوی می‌پردازد. در این فصل با تبیین جایگاه ارتش در نهاد قدرت پهلوی در موضوعات همچون: رضاخان و نظامیان حکومت پهلوی، منزلت نظامیان در حکومت پهلوی دوم، جایگاه ارتش در بین نهادهای کشور و ویژگی‌های نظامیان ارشد برای ارتقا‌شاره شده است. آخرین فصل و مهم‌ترین بخش این اثر نیز بهائیان در ارتش شاهنشاهی را بررسی می‌کند. حضور فعال و تأثیرگذار بهائیان در ارتش شاهنشاهی تا آخرین روزهای عمر رژیم پهلوی ادامه داشته است و حداقل ۵۳ نفر از بهائیان نظامی به درجات امیری رسیده و تیمساران شاهنشاهی بودند. در این فصل نیز موضوعاتی همچون: بهائیان نظامی، جایگاه نظامی‌گری در فرقه بهائیت، آشنایی با تعدادی از بهائیان نظامی که با هدف نفوذ به ارتش پیوسته بودند به عنوان مباحث اصلی این فصل منظور شده‌اند. از ویژگی‌های منحصربه‌فرد این کتاب، پیوسته‌های اسنادی متعددی است که بر غنای محتوایی آن می‌افزاید، به طوری که فهرست‌های منتشر نشده‌ای از دو صورت اسامی مرتبط با ۱۱۹ نفر از تیمساران ارتش که در مشاغل و مناصب بالای سیاسی مشغول به کار بودند و همچنین نتایج حاصله از اقدام درباره شناسایی بهائیان نظامی در اسناد به همراه فهرست اسامی بیش از ۵۵۶ نفر از بهائیتانی که در ارتش شاهنشاهی و سایر قوای مسلح حکومت پهلوی شاغل بودند، گنجاده شده است…»

تاریخ: ۲۱ شهریور ۱۳۸۸



«کودتای نقاب»، نقطه همگرایی ضدانقلاب داخل و خارج

دست‌همکاری برادر صدام را نمی‌توانیم پس‌بزنیم!

■ احمد رضا صدوی
نظام اسلامی از بدو پیدایش خویش، از موانع و خطرات بسیار عبور کرده است. کودتای «نقاب» که عمدتاً از آن به کودتای نوزه تعبیر می‌شود، در عداد همین موانع است. در روزهای گذشته از چهل و سومین سالروز این رویداد عبور کردیم. مقال بی‌آمده در صد است تا با بهره‌گیری از پارهای اسناد و تحلیل‌ها، به خوانشی مجدد از این کودتا دست‌زند.
■ ■ ■
■ همگرایی کودتاگران با سازمان موسوم به مجاهدین خلق
شاید اگر جزئیات کودتاها و شبه کودتاها علیه نظام اسلامی، به دقت مورد بازخوانی قرار گیرد، عدم توفیق آنها اعجاب‌آور بنماید. در بسیاری از این توطئه‌ها، علل و اسباب ظاهری توفیق آن از پیش مهیا شده بود و تنها یک رویداد غیرمنتظره می‌توانست برهم‌زننده ماجرا باشد. عوامل کودتای نقاب از پیش با بسیاری از عناصر و جریان‌ت‌فعال در ایران آن روز، هماهنگ شده و به عنوان نمونه همکار این سازمان موسوم به مجاهدین خلق را جلب کرده بودند. در اثر «دست‌خدا بر نقاب» از انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری مرکز اسناد انقلاب اسلامی می‌خوانیم:
«این موضوع که چرا کودتاگران در مقایسه با به کارگیری عوامل حزب دموکرات و کومله و بخش قابل توجهی از نیروهای نظامی، بر نیروهای سازمان مجاهدین خلق سرم‌ماه‌گذاری می‌کردند، شاید بیشتر به این دلیل بود که بیشتر افراد این سازمان در تهران متمرکز بودند و پیروزی کودتانیز در گروهی تصرف شهر تهران بود. همین امتیاز تأثیر زیادی در برقراری رابطه از سوی سرران کودتا با رهبران این سازمان داشت. وجهه مذهبی و ریاکارانه این سازمان و ادعای تبعیت از رهبر انقلاب و نقاب‌طرفداری از حکومت پهلوی دوم، آموزه‌های بهائیت در خصوص وطن، ارتباط بهائیت با صهیونیسم و رابطه بهائیان با مقامات امریکایی در ایران مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. فصل دوم کتاب به جایگاه ارتش در رژیم پهلوی می‌پردازد. در این فصل با تبیین جایگاه ارتش در نهاد قدرت پهلوی در موضوعات همچون: رضاخان و نظامیان حکومت پهلوی، منزلت نظامیان در حکومت پهلوی دوم، جایگاه ارتش در بین نهادهای کشور و ویژگی‌های نظامیان ارشد برای ارتقا‌شاره شده است. آخرین فصل و مهم‌ترین بخش این اثر نیز بهائیان در ارتش شاهنشاهی را بررسی می‌کند. حضور فعال و تأثیرگذار بهائیان در ارتش شاهنشاهی تا آخرین روزهای عمر رژیم پهلوی ادامه داشته است و حداقل ۵۳ نفر از بهائیان نظامی به درجات امیری رسیده و تیمساران شاهنشاهی بودند. در این فصل نیز موضوعاتی همچون: بهائیان نظامی، جایگاه نظامی‌گری در فرقه بهائیت، آشنایی با تعدادی از بهائیان نظامی که با هدف نفوذ به ارتش پیوسته بودند به عنوان مباحث اصلی این فصل منظور شده‌اند. از ویژگی‌های منحصربه‌فرد این کتاب، پیوسته‌های اسنادی متعددی است که بر غنای محتوایی آن می‌افزاید، به طوری که فهرست‌های منتشر نشده‌ای از دو صورت اسامی مرتبط با ۱۱۹ نفر از تیمساران ارتش که در مشاغل و مناصب بالای سیاسی مشغول به کار بودند و همچنین نتایج حاصله از اقدام درباره شناسایی بهائیان نظامی در اسناد به همراه فهرست اسامی بیش از ۵۵۶ نفر از بهائیتانی که در ارتش شاهنشاهی و سایر قوای مسلح حکومت پهلوی شاغل بودند، گنجاده شده است…»

عجیب بود و جای تعمق داشت…»
همان‌سایت در یاداشتی، مفاد «بهائیان نظامی در حکومت پهلوی دوم» را به ترتیب بی‌آمده معرفی کرده است: «در اولین فصل کتاب با عنوان پیدایش و تکوین بهائیت، مباحثی همچون: شکل‌گیری بهائیت، ساختار درونی بهائیت، بیت‌المقدس، ممنوعیت بهائیان برای ورود به حوزه سیاست، اشتغال بهائیان در حکومت پهلوی دوم، آموزه‌های بهائیت در خصوص وطن، ارتباط بهائیت با صهیونیسم و رابطه بهائیان با مقامات امریکایی در ایران مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. فصل دوم کتاب به جایگاه ارتش در رژیم پهلوی می‌پردازد. در این فصل با تبیین جایگاه ارتش در نهاد قدرت پهلوی در موضوعات همچون: رضاخان و نظامیان حکومت پهلوی، منزلت نظامیان در حکومت پهلوی دوم، جایگاه ارتش در بین نهادهای کشور و ویژگی‌های نظامیان ارشد برای ارتقا‌شاره شده است. آخرین فصل و مهم‌ترین بخش این اثر نیز بهائیان در ارتش شاهنشاهی را بررسی می‌کند. حضور فعال و تأثیرگذار بهائیان در ارتش شاهنشاهی تا آخرین روزهای عمر رژیم پهلوی ادامه داشته است و حداقل ۵۳ نفر از بهائیان نظامی به درجات امیری رسیده و تیمساران شاهنشاهی بودند. در این فصل نیز موضوعاتی همچون: بهائیان نظامی، جایگاه نظامی‌گری در فرقه بهائیت، آشنایی با تعدادی از بهائیان نظامی که با هدف نفوذ به ارتش پیوسته بودند به عنوان مباحث اصلی این فصل منظور شده‌اند. از ویژگی‌های منحصربه‌فرد این کتاب، پیوسته‌های اسنادی متعددی است که بر غنای محتوایی آن می‌افزاید، به طوری که فهرست‌های منتشر نشده‌ای از دو صورت اسامی مرتبط با ۱۱۹ نفر از تیمساران ارتش که در مشاغل و مناصب بالای سیاسی مشغول به کار بودند و همچنین نتایج حاصله از اقدام درباره شناسایی بهائیان نظامی در اسناد به همراه فهرست اسامی بیش از ۵۵۶ نفر از بهائیتانی که در ارتش شاهنشاهی و سایر قوای مسلح حکومت پهلوی شاغل بودند، گنجاده شده است…»

تاریخ: ۲۱ شهریور ۱۳۸۸

تاریخ معاریخ

تاریخ ۸۸۴۹۸۴۳۷



«کودتای نقاب»، نقطه همگرایی ضدانقلاب داخل و خارج

دست‌همکاری برادر صدام را نمی‌توانیم پس‌بزنیم!

■ احمد رضا صدوی
نظام اسلامی از بدو پیدایش خویش، از موانع و خطرات بسیار عبور کرده است. کودتای «نقاب» که عمدتاً از آن به کودتای نوزه تعبیر می‌شود، در عداد همین موانع است. در روزهای گذشته از چهل و سومین سالروز این رویداد عبور کردیم. مقال بی‌آمده در صد است تا با بهره‌گیری از پارهای اسناد و تحلیل‌ها، به خوانشی مجدد از این کودتا دست‌زند.
■ ■ ■
■ همگرایی کودتاگران با سازمان موسوم به مجاهدین خلق
شاید اگر جزئیات کودتاها و شبه کودتاها علیه نظام اسلامی، به دقت مورد بازخوانی قرار گیرد، عدم توفیق آنها اعجاب‌آور بنماید. در بسیاری از این توطئه‌ها، علل و اسباب ظاهری توفیق آن از پیش مهیا شده بود و تنها یک رویداد غیرمنتظره می‌توانست برهم‌زننده ماجرا باشد. عوامل کودتای نقاب از پیش با بسیاری از عناصر و جریان‌ت‌فعال در ایران آن روز، هماهنگ شده و به عنوان نمونه همکار این سازمان موسوم به مجاهدین خلق را جلب کرده بودند. در اثر «دست‌خدا بر نقاب» از انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری مرکز اسناد انقلاب اسلامی می‌خوانیم:
«این موضوع که چرا کودتاگران در مقایسه با به کارگیری عوامل حزب دموکرات و کومله و بخش قابل توجهی از نیروهای نظامی، بر نیروهای سازمان مجاهدین خلق سرم‌ماه‌گذاری می‌کردند، شاید بیشتر به این دلیل بود که بیشتر افراد این سازمان در تهران متمرکز بودند و پیروزی کودتانیز در گروهی تصرف شهر تهران بود. همین امتیاز تأثیر زیادی در برقراری رابطه از سوی سرران کودتا با رهبران این سازمان داشت. وجهه مذهبی و ریاکارانه این سازمان و ادعای تبعیت از رهبر انقلاب و نقاب‌طرفداری از حکومت پهلوی دوم، آموزه‌های بهائیت در خصوص وطن، ارتباط بهائیت با صهیونیسم و رابطه بهائیان با مقامات امریکایی در ایران مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. فصل دوم کتاب به جایگاه ارتش در رژیم پهلوی می‌پردازد. در این فصل با تبیین جایگاه ارتش در نهاد قدرت پهلوی در موضوعات همچون: رضاخان و نظامیان حکومت پهلوی، منزلت نظامیان در حکومت پهلوی دوم، جایگاه ارتش در بین نهادهای کشور و ویژگی‌های نظامیان ارشد برای ارتقا‌شاره شده است. آخرین فصل و مهم‌ترین بخش این اثر نیز بهائیان در ارتش شاهنشاهی را بررسی می‌کند. حضور فعال و تأثیرگذار بهائیان در ارتش شاهنشاهی تا آخرین روزهای عمر رژیم پهلوی ادامه داشته است و حداقل ۵۳ نفر از بهائیان نظامی به درجات امیری رسیده و تیمساران شاهنشاهی بودند. در این فصل نیز موضوعاتی همچون: بهائیان نظامی، جایگاه نظامی‌گری در فرقه بهائیت، آشنایی با تعدادی از بهائیان نظامی که با هدف نفوذ به ارتش پیوسته بودند به عنوان مباحث اصلی این فصل منظور شده‌اند. از ویژگی‌های منحصربه‌فرد این کتاب، پیوسته‌های اسنادی متعددی است که بر غنای محتوایی آن می‌افزاید، به طوری که فهرست‌های منتشر نشده‌ای از دو صورت اسامی مرتبط با ۱۱۹ نفر از تیمساران ارتش که در مشاغل و مناصب بالای سیاسی مشغول به کار بودند و همچنین نتایج حاصله از اقدام درباره شناسایی بهائیان نظامی در اسناد به همراه فهرست اسامی بیش از ۵۵۶ نفر از بهائیتانی که در ارتش شاهنشاهی و سایر قوای مسلح حکومت پهلوی شاغل بودند، گنجاده شده است…»

عجیب بود و جای تعمق داشت…»
همان‌سایت در یاداشتی، مفاد «بهائیان نظامی در حکومت پهلوی دوم» را به ترتیب بی‌آمده معرفی کرده است: «در اولین فصل کتاب با عنوان پیدایش و تکوین بهائیت، مباحثی همچون: شکل‌گیری بهائیت، ساختار درونی بهائیت، بیت‌المقدس، ممنوعیت بهائیان برای ورود به حوزه سیاست، اشتغال بهائیان در حکومت پهلوی دوم، آموزه‌های بهائیت در خصوص وطن، ارتباط بهائیت با صهیونیسم و رابطه بهائیان با مقامات امریکایی در ایران مورد بحث و بررسی قرار گرفته‌اند. فصل دوم کتاب به جایگاه ارتش در رژیم پهلوی می‌پردازد. در این فصل با تبیین جایگاه ارتش در نهاد قدرت پهلوی در موضوعات همچون: رضاخان و نظامیان حکومت پهلوی، منزلت نظامیان در حکومت پهلوی دوم، جایگاه ارتش در بین نهادهای کشور و ویژگی‌های نظامیان ارشد برای ارتقا‌شاره شده است. آخرین فصل و مهم‌ترین بخش این اثر نیز بهائیان در ارتش شاهنشاهی را بررسی می‌کند. حضور فعال و تأثیرگذار بهائیان در ارتش شاهنشاهی تا آخرین روزهای عمر رژیم پهلوی ادامه داشته است و حداقل ۵۳ نفر از بهائیان نظامی به درجات امیری رسیده و تیمساران شاهنشاهی بودند. در این فصل نیز موضوعاتی همچون: بهائیان نظامی، جایگاه نظامی‌گری در فرقه بهائیت، آشنایی با تعدادی از بهائیان نظامی که با هدف نفوذ به ارتش پیوسته بودند به عنوان مباحث اصلی این فصل منظور شده‌اند. از ویژگی‌های منحصربه‌فرد این کتاب، پیوسته‌های اسنادی متعددی است که بر غنای محتوایی آن می‌افزاید، به طوری که فهرست‌های منتشر نشده‌ای از دو صورت اسامی مرتبط با ۱۱۹ نفر از تیمساران ارتش که در مشاغل و مناصب بالای سیاسی مشغول به کار بودند و همچنین نتایج حاصله از اقدام درباره شناسایی بهائیان نظامی در اسناد به همراه فهرست اسامی بیش از ۵۵۶ نفر از بهائیتانی که در ارتش شاهنشاهی و سایر قوای مسلح حکومت پهلوی شاغل بودند، گنجاده شده است…»

تاریخ: ۲۱ شهریور ۱۳۸۸



شاید اگر جزئیات کودتاها و شبهه کودتاها علیه نظام اسلامی، به دقت مورد بازخوانی قرار گیرد، عدم توفیق آنها اعجاب‌آور بنماید! در بسیاری از این توطئه‌ها، تمامی علل و اسباب ظاهری توفیق آن از پیش مهیا شده بود و تنها یک رویداد غیرمنتظره، می‌توانست برهم‌زننده ماجرا باشد. عوامل کودتای نقاب از پیش با بسیاری از عناصر و جریان‌ت‌فعال در ایران آن روز، هماهنگ شده و به عنوان نمونه، همکاری سازمان موسوم به مجاهدین خلق را جلب کرده بودند

این فرقه معتقد است:

«کار گزاران و قوه عاقله کودتا به فراست دریافته بودند که همراه کردن یک چهره روحانی با کودتاجیان، درصد توانمندی و نقطه پیروزی مؤثر و مفیدی را برای آنان رقم خواهد زد. از این رو مجذب روحانیت مخالف و متضاد با اندیشه امام خمینی (ره) در نهضت اسلامی مردم ایران در دستور کار گرفت. برای رسیدن به اهداف کودتا، بهترین گزینه آیت‌الله سیدکاظم شریعتمداری تشخیص داده شد، زیرا وی در نازل‌های امی حزب خلق مسلمان در آذربایجان، به حمایت از این گروه تجزیه‌طلب پرداخت. همچنین نامبرده در ردیف مرجعیت دینی قرار داشت و مقلدین وی در قشرهای مختلف جامعه حضور داشتند و از سویی دیگر بختیار زمانی که در تدارک تصدی نخست‌وزیری بود به حمایت آقای شریعتمداری از خود در برابر امام خمینی می‌کرد. به این ترتیب آقای شریعتمداری بهترین گزینه در میان روحانیون، برای همکاری و تأیید کودتا به حساب می‌آمد. متأسفانه اکثریت قابل توجه عناصر کودتاجی یا اطلاع از حضور آقای شریعتمداری، نتوانستند خود را اذعان کنند تا در این کودتا شرکت کنند. کودتای نقاب همانند سایر کودتاها، یک پشتوانه فرامرزی و قوه عاقله بیرونی و تعدادی از عوامل اجرایی در درون کشور داشت. برض است که عوامل اجرایی داخلی و طراحان خارج‌گی کودتا، بدون پشتوانه مالی و تدارکاتی و وابستگی فزوری برادر صدام حسین حاضر به همکاری با ما شده‌اند و ما این دست همکاری را نمی‌توانیم پس‌بزنیم. همچنین شناسایی دولت جدید بعد از پیروزی در کودتا را در اختیار مترجم جلسه قرار داد و صدام حسین نیز از آنها قدردانی کرد. حمایت و پشتیبانی مالی، سیاسی، نظامی و لجستیکی عراق از کودتا و توجه به تسام زوایای اجرایی آن از نقطه نظر کودتا بساوری قطعی و یقینی حاصل شده بود. در بررسی و پژوهش از کودتای نقاب، با توجه به تسام زوایای اجرایی آن از نقطه نظر گوناگون در بخش‌های مختلف و بنابر اعترافات و بازجویی‌های کودتاجیان دستگیر شده و همچنین با توجه به شکل کشف و خنثی‌سازی آن، نکات قابل تأملی در بررسی اهداف طراحان اصلی آن وجود دارد که در پس پرده اسنادی است که در آرشيوهای مراکز جاسوسی امریکا، انگلستان و اسرائیل نگهداری می‌شود…»

■ کودتاجیان در صد‌ده حمله به زندان اوین
کودتاگران نقاب در مخپله خویش، اوهام و تصوراتی فراوان آفریده بودند! آنان در فرای از عملیات خویش، حمله به زندان اوین و آزادی زندانیان را نیز جای می‌دهند! با این همه برنامه‌ریزی ایشان با رفتندی نه چندان پیشیده لو‌می‌رود و عامل نفوذی این گروه دستگیر می‌شود. زنده‌یاد احمد قدیریان در خاطرات خویش ماجرا را به‌قرار بی‌آمده روایت کرده است:

«یکی از نخستین برنامه‌های کودتاگران پس از آغاز عملیات، حمله به زندان اوین و آزاد کردن زندانیان برای پیشبرد اهداف خود، در ایران نامنی و تقویت نیروهای کودتاگر بود. در طرح کودتای نوزه نیز برای تسخیر اوین و آزادی زندانی‌ها مجبور شدند، از در ورودی استفاده کنند. یکی از افسران کودتا چند روز قبل از واقعه با یکی از راننده‌های موتوری اوین تماس گرفته بود و با آشنایی قبلی که با او داشت، قرار بود از ایشان برای بازکردن در اوین استفاده کند. این راننده اوین که نامش ج.م بود، قبلاً راننده سواوک بود، اما چون قرار بود تعدادی از نیروهای سایر ارگان‌ها که دستشان به خون کسی آغشته نشده بود، به کار گرفته شوند. او و چند نفری در اوین، در قسمت ترابری به ما کمک می‌کردند. آن افسر ارتشی که ایشان را از قبل می‌شناخت، با وی قرار گذاشته بود که اگر قرار شد کودتاجیان به اوین بروند، او به آنها اجازه دهد وارد شوند. (ج.م) می‌گوید طبق برنامه، شیفت من در دو شب دیگر می‌باشد. به او اصرار می‌شود که باید شیفت را عوض کنی و او هم موافقت می‌کند و به اطلاع آنها می‌رساند که من شیفت شب مورد نظر شما را با یکی از دوستان خودم عوض کردم و شب حمله منتظر می‌ماند که ساعت دو بعد از نیمه شب در اوین را باز کند و کودتاجیان به اهداف خودشان برسند، اما هرچه منتظر می‌ماند تا صبح خبری نمی‌شود. بعد از منتظر ماندن افراد

تاریخ: ۲۱ شهریور ۱۳۸۸



✦ شاپور بختیار در یک کنفرانس مطبوعاتی

روزنامه جوان | شماره ۶۸۰۵

کودتاجی و بازجویی از آنها در اوین، با اعترافات یک از افراد دستگیر شده از ارتش که رابط با شخص نفوذی در اوین بود، آن فرد نفوذی نیز دستگیر می‌شود…»

■ عامل اجرایی کودتا چگونه آن را لو داد؟

و سرانجام کودتا از طریق کسی لو رفت که بتایان این حرکت هرگز بدان نمی‌پردند! یکی از افسران صاحب‌نقش در این طرح، تحت تأثیر وجدان خویش و پس از مشورت با اطرافیان، تصمیم می‌گیرد تا موضوع را با آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای امام جمعه وقت تهران در میان نه‌د. وی سرانجام و پس از اوج و فرودهایی، موفق به دیدار با امام جمعه تهران شد. زنده‌یاد آیت‌الله محمد محمدی ری‌شهری در خاطرات خویش، گفته‌های وی را -بدون نام بردن از او- به شرح نقل می‌کند:

«در آن زمان، من در پایگاه هوایی نوزه خدمت می‌کردم. حدود شش ماه قبل از کودتا، برای کرایه اتومبیل به آژانس مراجعه کردم. صاحب آن گفت اگر ۲۰ هزار تومان پول بده من بدهی، برایت یک پیکان تهیه می‌کنم. من هم ۲۰ هزار تومان تهیه کردم و به او دادم. در ادامه صحبت‌ها گفت برنامه‌ای داریم که اگر تو هم در آن شرکت کنی، می‌توانی در آینده وزیر یا مقام دیگری که بخواهی، بشوی! این موضوع گذشت تا اینکه دو سه روز قبل از کودتا، یکی از خلبانان کودتاجی در پایگاه نوزه اراجع به این کودتا با من صحبت کرد و گفت تو هم برای این کار در نظر گرفته شدی و امروز بعدازظهر، حمید نعمتی در ابتدا سه راهی پایگاه منتظر توست… حمید نعمتی را دیدم. قرار ملاقات‌ار در تهران گذاشتیم. در تهران، به منزل نعمتی رفتم، به من گفت مأموریت تو مبارزان بیت‌امام و تلویزیون است و مسا می‌توانیم تا ۵ میلیون نفر را بکشیم! و اگر هم لازم شد در یکی از کشورهای حوزه خلیج‌فارس و یا روی نانو امریکا در خلیج‌فارس فرود بیایم. من به او گفتم شما با مردم مخالفتی یا با حکومت که می‌خواهید این همه کشت و کشتار بکنید؟! گفت ما با حکومت مخالفیم، ولی هر کس هم که خواهد مانع کار ما بشود، چاره‌ای نداریم جز اینکه همه را بکشیم! این موضوع برای من خیلی ثقیل بود و چون از مخالفت کردن با آنها هم خصوصاً در منزل نعمتی هراس داشتم، گفتم من بیت‌امام را نمی‌توانم بزیم، ولی تلویزیون را می‌زنم! پس از کمی صحبت از او جدا شدم و به خانه‌ام رفتم و موضوع را با مادرم -که زنی ساده و مسلمان بود- در میان گذاشتم. مادرم به شدت نازاحت شد و گفت تو ن‌نه تنها این کار را نباید بکنی، بلکه باید خبر بدهی و جلوی این کار را بگیری و اگر اطلاع ندهی، شسیرم را حالات نمی‌کنم و رضایت ندارم! بالاخره تا ساعت ۱۲ شب، با پدرم و برادر کوچک‌ترم درباره این موضوع صحبت کردم و تصمیم گرفتم موضوع را به جایی و یا به کسی اطلاع بدهم، ولی چون نعمتی گفته بودی در جاهای مختلف از جمله سیاه‌نفر داریم و خیلی‌ها از جمله شریعتمداری این کار را تأیید کرده‌اند، می‌ترسیدم به هر کسی این موضوع را بگویم. تصمیم گرفتم موضوع را به آقای خامنه‌ای نویسم و برای محکم‌کاری، موضوع را روی کاغذ نوشتم و در خانه گذاشتم و به برادرم گفتم اگر بلا‌یی سر من آمد و بر نگشتم، به هر ترتیبی شده این موضوع را در جایی خبر بدهد و جلوی این کار را بگیرد. ساعت ۱۲/۲۵ از خانه بیرون آمدم و به کمیته تدم رفتم و گفتم من یک خبر خیلی مهمی دارم که باید حتماً به آقای خامنه‌ای عرض کنم. مرا به کمیته بردند و چون زیاد سؤال می‌کردند، گفتم من یک خلبان هستم و موضوع براندازی در کار است و ساعت ۴/۵ صبح بود، رفتم منزل آقای خامنه‌ای…»

■ عفو شماری از عوامل کودتا از سوی امام خمینی
آیت‌الله محمد محمدی ری‌شهری بنا بر گفته خویش، از فرآند رسیدگی به اتهامات عوامل کودتای نقاب، خاطره‌ای شیرین نیز دارد که همانا عفو برخی از آنان از سوی امام خمینی رهبر کبیر انقلاب اسلامی است:

«خاطره شیرینی که در جریان رسیدگی به اتهامات کودتاجیان به یباد دارم، این بود که ضمن رسیدگی قضایی به پرونده شماری از زندانیان برای پیشبرد اهداف خود، در ایران نامنی و تقویت نیروهای کودتاگر بود. در طرح کودتای نوزه نیز برای تسخیر اوین و آزادی زندانی‌ها مجبور شدند، از در ورودی استفاده کنند. یکی از افسران کودتا چند روز قبل از واقعه با یکی از راننده‌های موتوری اوین تماس گرفته بود و با آشنایی قبلی که با او داشت، قرار بود از ایشان برای بازکردن در اوین استفاده کند. این راننده اوین که نامش ج.م بود، قبلاً راننده سواوک بود، اما چون قرار بود تعدادی از نیروهای سایر ارگان‌ها که دستشان به خون کسی آغشته نشده بود، به کار گرفته شوند. او و چند نفری در اوین، در قسمت ترابری به ما کمک می‌کردند. آن افسر ارتشی که ایشان را از قبل می‌شناخت، با وی قرار گذاشته بود که اگر قرار شد کودتاجیان به اوین بروند، او به آنها اجازه دهد وارد شوند. (ج.م) می‌گوید طبق برنامه، شیفت من در دو شب دیگر می‌باشد. به او اصرار می‌شود که باید شیفت را عوض کنی و او هم موافقت می‌کند و به اطلاع آنها می‌رساند که من شیفت شب مورد نظر شما را با یکی از دوستان خودم عوض کردم و شب حمله منتظر می‌ماند که ساعت دو بعد از نیمه شب در اوین را باز کند و کودتاجیان به اهداف خودشان برسند، اما هرچه منتظر می‌ماند تا صبح خبری نمی‌شود. بعد از منتظر ماندن افراد

تاریخ: ۲۱ شهریور ۱۳۸۸